

بستر سازی و روش شناسی شبهات عاشورا و روش پاسخگویی به آنها

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی*

اشاره

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مورد شبهه می فرماید: «وَ إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ؛^۱ شبهه را از آن روی شبهه گویند که شبیه به حق است». بنابراین شبهه شباهت اندکی به حق دارد و به همین دلیل افراد غیرمتخصص توان تشخیص واقعی از بدل را ندارند؛ برای مثال تمام تلاش جاعلان سکه طلا بر این است تا اندازه و رنگ آن بیشترین شباهت را به سکه واقعی داشته باشد و به قول معروف «گنجشک را جای قناری رنگ می کنند و می فروشند» نه کلاغ و خروس را. از آنجاکه شبهه ممکن است بسیاری از افراد را بی راهه بکشاند، شبهه زدایی از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به همین دلیل امام علی علیه السلام شبهه را یکی از ارکان چهارگانه کفر به شمار می آورد.^۲

زمانی که شبهه در جامع رواج یابد، وظیفه عالمان و مبلغان دینی مشخص می شود؛ زیرا یکی از رسالت های اصلی آنها پاسخ به شبهه هاست؛ چراکه بسیاری توانایی تشخیص طلای واقعی از بدل ندارند و عالمان دینی در این باره بسان طلاشناس می توانند گزارش واقعی از جعل را شناسایی و از فریب دادن مردم توسط بدلکاران دینی جلوگیری کنند.

رسالت مبلغان در پاسخ گویی به شبهه ها

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «یکی از رسالت های انبیای الهی، برطرف نمودن شبهات و

* دکتری تاریخ و تمدن اسلامی.

۱. سیدرضی، نهج البلاغه (للصحیحی صالح)، ص ۳۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۹۱.

پاسخ‌گویی به آن است»^۱.

همه امامان معصوم علیهم‌السلام بخشی از وقت خود را به پاسخ‌گویی شبهه‌ها اختصاص می‌دادند؛ زیرا پاسخ‌گویی به شبهه یکی از اساسی‌ترین وظایف عالمان و مبلغان دینی است. امام صادق علیه‌السلام دانشمندان شیعی را همچون مرزداران می‌دانند که مانع یورش شیاطین به شیعیان ناتوان می‌شوند و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می‌گیرند؛ همچنین فضیلت این عملکرد را بالاتر از رزمندگانی معرفی می‌کند که با روم و ترک و خزر در حال جهادند، زیرا علما از دین مردم دفاع می‌کنند و رزمندگان از جسم آنها.^۲ معاندان امروزه با استفاده از فضای مجازی بیش از پیش به ترویج شبهه‌ها می‌پردازند و به طور بدیهی جوانان بیشترین آسیب را متحمل خواهند شد. همان‌گونه که وظیفه فرماندهان نظامی، پاسداری است و تا حد توان مانع از بین رفتن نفوس می‌شوند، عالمان دینی باید عزم خود را جزم کنند، مانع کشتار روح جوانان شوند و جوانانی را دریابند که روح دینی‌شان در این بستر در شرف ذبح شدن است.

امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «بَادِرُوا أَحْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ»^۳؛ به جوانان خود حدیث پیام‌زید پیش از آنکه مرجئه بر شما سبقت گیرند». امروزه شبهه‌افکنان در جایگاه مرجئه قرار گرفته‌اند و روح جوانان و نوجوانان را هدف قرار داده‌اند. شبهه‌های معاندان به تناسب مکان و زمان مطرح و در فضای مجازی و حتی حقیقی نشر داده می‌شود؛ در ایام فاطمیه شبهه‌های فاطمی، در غدیر شبهه‌های مرتبط به غدیر و در محرم و صفر شبهه‌های عاشورایی را مطرح می‌کنند.

هدف شبهه‌سازان در موضوع عاشورا

قیام امام حسین علیه‌السلام تنها یک قیام بر ضد طاغوت زمان نبود، بلکه الگویی برای بسیاری از قیام‌ها و انقلاب‌های آینده شد و به تعبیر دیگر قیامی است قیام‌پرور؛ به همین دلیل در هر دوره با تأسی به این قیام، انقلاب‌هایی علیه حاکمان ظالم به وقوع می‌پیوندند و در هر دوره حاکمان جور و

۱. سیدرضی، نهج البلاغه (للصباحی صالح)، ص ۴۶.

۲. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۷.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۷؛ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۸، ص

ستم افزون بر سرکوبی قیام، به دنبال خشکاندن ریشه آن هستند؛ از این رو با ابزارهای مختلف در پی مقابله با حماسه حسینی بر می آیند؛ برای مثال متوکل عباسی حرم حسینی را تخریب کرد، اما متعرض دیگر اماکن مقدس در عراق نشد.

شیعیان، مسلمانان و حتی غیر مسلمانان در دوره اخیر با الگو گرفتن از این قیام، در مقابل زورگویان عالم ایستادگی کردند و آنها را در بسیاری از اهدافشان ناکام گذاشته اند. وصیت نامه بسیاری از شهدا گویای سرمشق گرفتن آنان از حماسه حسینی است؛ در واقع مجالس حسینی است که با ترزیق روحیه شهادت طلبی امثال «شهید سلیمانی» می پروراند و شعار «ما ملت امام حسینیم» را به عالمیان مخابره می کند.

کسانی که امروزه از قیام امام علیه السلام آسیب دیده اند، می کوشند آن قیام شهید پرور را به ماجرای تاریخی خشنایی تبدیل کنند و شبهه ها بهترین کمک را به آنها خواهد کرد؛ پس ریشه اصلی شبهه های عاشورا، تضعیف این جنبه از قیام امام حسین علیه السلام و کاستن تأثیرهای آن است؛ برای نمونه، عزاداران را دیوانه معرفی می کنند که برای ماجرای تاریخی که ۱۴۰۰ سال از آن گذشته است، بر سروسینه خود می کوبند؛ در حالی که اگر به سروسینه زدن ها تأثیر ندارد، چرا شبکه های گوناگون معاندین با صرف هزینه های سرسام آور در پی تضعیف آن هستند؟ این هزینه ها گویای اهمیت موضوع است.

بسترهای شبهه ساز

الف) گزارش های ضعیف

مقاتل و کتاب های تاریخی کهن، گزارش های صحیح و جعلی را در دل خود جای داده اند. گزارش هایی که عوامل متعددی از جمله سلايق و تعصبات قومی، قبیله گي و مذهبي و نیز تطمیع و تهدید حاکمان سبب جعل برخی از آنها شده است. اگر این مسائل را هم در نظر نگیریم، شیوه مورخان در کتاب های منبع، بیان گزارش های مختلف است؛ بدین معنا که نویسنده به جمع آوری گزارش های متعدد در یک واقعه می پردازد و آن را از روایان زیادی نقل می کند که برخی از آنها تفاوت کامل با هم دارند. روشن است که جمع آوری کننده نمی تواند مهر تأیید بر همه آنها بزند؛ زیرا نمی توان هر دو گزارش مخالف هم را صحیح دانست. طبری در مقدمه تاریخ به این ضعف اعتراف می کند و می گوید: «آنچه در این کتاب جمع آوری شده، همگی صحیح نیست و آنها را

از افراد مختلف شنیدم و جمع‌آوری کردم. شاید در آن چیزهایی باشد که باعث ناراحتی شود؛ اما این سخنان از من نیست و من فقط آنها را جمع‌آوری کرده‌ام.^۱

آیت‌الله سبحانی ضمن تضعیف پنج نفر از روایان طبری، باورمند است این افراد حقایق تاریخی این دوره را وارونه جلوه داده‌اند.^۲ بر این اساس، این منابع تخصصی هستند و داشتن سواد خواندن و نوشتن برای رجوع به آنها کافی نیست؛ زیرا تشخیص گزارش صحیح از جعلی، نیاز به توانایی به‌کارگیری ابزار مختلف علمی دارد. برخی ابزار برای بهره‌گیری صحیح از گزارش‌های تاریخی عبارت‌اند از: شناخت صحیح ادبیات عرب، دانستن علم رجال و شناختن روایان اسناد، تسلط بر منابع مختلف و تطبیق آنان از نظر زمانی، مکانی و جهات دیگر، آشنایی با نویسنده کتاب از حیث مذهب، تفکر و گرایش‌های مختلف و بدون برخورداری از این ابزارها نمی‌توان به سراغ منابع اولیه‌ای چون تاریخ طبری رفت.

اما کسانی که به قصد شبهه‌افکنی به سراغ کتاب‌های منبع می‌روند، کاری با صحت و سقم گزارش ندارند، بلکه آن گزارشی را انتخاب می‌کنند که با هدف شبهه‌افکنی آنان هم‌داستان باشد. گاهی جریانی در یک کتاب به چند صورت روایت شده است که کاملاً با هم متضاد هستند؛ ولی در القای شبهه، فقط روایتی که ادعای شبهه‌کننده را اثبات می‌کند، طرح می‌شود.

ب) نقل مطالب ضعیف توسط مداحان و سخنرانان

گاهی مداحان، مرثیه‌خوانان و سخنرانان به نقل گزارش‌های ضعیف روی می‌آورند که نه‌تنها در منابع متقدم نیست، بلکه در منابع متأخر نیز وجود ندارد. برخی از این مطالب اگرچه از روی تسامح یا مطالعه‌نکردن سرچشمه می‌گیرد، زمینه را برای شبهه‌سازان فراهم می‌کنند؛ از جمله برخی از مداحان هوا را در روز عاشورا بسیار گرم‌تر از آنچه بوده است، به تصویر می‌کشند که زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کند.^۳

محدث نوری نقل می‌کند شخصی نزد مرحوم صاحب مقامع رفت و گفت: دیشب، خواب وحشتناکی دیدم. (ایشان گفت:) چه خوابی دیدی؟ خواب دیدم با این دندان‌های خودم

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۱، ص ۸.

۲. جعفر سبحانی، آیین و هابیت، ص ۱۶ - ۱۷.

۳. در سطور آتی در این باره مطالبی خواهد آمد.

گوشت‌های بدن امام حسین علیه السلام را می‌کنم. صاحب مقام از این سخن لرزید. سرش را پایین انداخت و مدتی فکر کرد. گفت: شاید تو مرثیه‌خوان هستی؟ عرض کرد: بله. فرمود: بعد از این یا اساساً مرثیه‌خوانی را ترک کن یا از کتاب‌های معتبر نقل کن. تو با این دروغ‌های انگار گوشت بدن امام حسین علیه السلام را با دندان‌هایت می‌کنی. این لطف خدا بود که در این رؤیا، این را به تو نشان داد.^۱

اگر روضه دروغ سبب انحراف شود و بستری برای شبهه‌کنندگان ایجاد کند که از آن سوءاستفاده کنند، وضع بدتر و جرم سنگین‌تر خواهد شد؛ به همین دلیل به نقل از شهید مطهری، آخوند خراسانی فرموده بود آنها به دنبال روضه‌های نشنیده می‌روند، بروند روضه‌های راست را پیدا کنند که آنها را احدی نشنیده است.^۲ مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند: «واقعه‌خوانی تا حدّ ممکن، باید متقن باشد؛ مثلاً در حدود لهوف ابن طاووس و ارشاد مفید و امثال اینها - نه چیزهای من‌درآوردی - واقعه‌خوانی و روضه‌خوانی شود».^۳

برخی از ذاکران گرامی با این تصور که باید هر سال مطلب جدیدی بخوانند، به دنبال یافتن قصه جدیدی از شهادت شخصیت‌های روز عاشورا هستند؛ برای مثال سال گذشته روضه حضرت علی اکبر علیه السلام را در قالب داستانی خوانده‌اند، تصور می‌کنند امسال باید کار جدیدی ارائه دهند که تکرار مباحث سال گذشته نباشد؛ از این رو به دنبال داستان جدیدی هستند، در حالی که مطلب جدید یعنی همان داستان را ارائه نوینی دهد. مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در این باره چه زیبا فرمودند: «آنچه را که مثلاً شیخ و ابن طاووس و مفید و دیگر بزرگان در کتاب‌هایشان گفته‌اند، اینها را بایستی محور قرار داد. بعد آنها را در یک ارائه هنری، به شکل زیبا و شایسته‌ای بیان کرد».^۴

بنابراین مداحان، سخنرانان و مبلغان گرامی باید از بیان هر ذکر مصیبتی خودداری کنند و

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۵۷.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۱۳۷۴/۰۳/۰۳؛ در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2752>.

۴. بیانات در دیدار مداحان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۷.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2408>

ابتدا دربارهٔ صحت و سقم آن پرس‌وجو نمایند و مطالب را از منابع معتبر استخراج کنند.

ج) نقدهای علمی افراط‌گونه برخی محققان

در مقابل ضعیف‌خوانی و ضعیف‌گویی برخی از مداحان و ذاکران محترم، محققانی با احساس وظیفه دست به قلم می‌برند و به پالایش روضه‌ها و مرثیه‌ها اقدام می‌کنند که کاری قابل تقدیر است؛ اما نکته اینجاست که برخی از این محققان راه افراط را پیش گرفته‌اند و همان دقتی که فقیهان در استنباط احکام شرعی بر روی احادیث و گزارش‌ها انجام می‌دهند، توسط محققان عرصه تاریخ نیز اعمال می‌شود و حال آنکه در اینجا مقام متفاوت با آنجاست؛ انکار حضرت رقیه علیها السلام و تضعیف روضه خرابه شام از این سنخ است، حال آنکه بین دختران امام، دختری به همین نام در منابع قرن ششم وجود دارد^۱ و روضهٔ خرابه شام را نیز طبری شیعی در قرن هفتم نقل کرده است.^۲ اگر چه در بررسی این نقل می‌توان سابقه این روضه را تا دوران مأمون عباسی پیگیری کرد؛ اما همین نقل ماجرا در قرن هفتم کافی است. اگر به صورت افراط‌گونه برخورد شود، قدم بعدی رد مطالب بیان‌شده در قرن چهارم و پنجم است.

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «کتاب معروف لهوف از سیدعلی بن موسی بن جعفر ابن طاووس است. در تعبیرات منبری‌های ما عین عبارات این کتاب - مثل روایت - خوانده می‌شود؛ از بس متقن و مهم است».^۳ در جای دیگر می‌فرماید: «دنبال این نباشید که چیزی که در متن تاریخ اثبات شده است، آن را بخوانید؛ چون هیچ‌چیز نمی‌توانید بخوانید. تازه آنچه که در لهوف ابن طاووس هست، خبر واحد است دیگر. توجه کنید، چیزی را بخوانید که معقول باشد».^۴ از این دو فرمایش می‌توان نتیجه گرفت دقت فقهی در نقل مطالب تاریخی بین عالمان گذشته مرسوم نبود، البته هر نقل ضعیفی نیز بیان نمی‌شد.

نکته دیگری که امروزه اهمیت کار را دوچندان می‌کند، سوءاستفاده معاندان از نقدهای

۱. علی بن زید ابن فندق بیهقی، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، ص ۳۵۰.

۲. عمادالدین حسن بن علی طبری، کامل بهائی، ص ۵۲۳.

۳. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۴/۰۳/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2756>

۴. بیانات در دیدار با مداحان، ۱۳۶۹/۱۰/۱۷.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2408>

افراطی است. وقتی شخصیت حضرت رقیه علیها السلام که صدها سال مورد احترام بود و روضه‌اش جزء سوزناک‌ترین روضه‌ها، توسط محققى نقد می‌شود، معاند به این بسنده نمی‌کند و شبهه‌ای القا می‌کند و انکارها و تضعیف‌ها را به دیگر شخصیت‌های مقدس کربلا نیز تعمیم می‌دهد؛ بنابراین این‌گونه مباحث بستری است برای شبهه‌سازی و تضعیف حماسه و قیام، قیام‌پرور کربلا.

گونه‌شناسی و ترفندها

۱. القای تعداد زیادی شبهه در یک متن

بسیار دیده می‌شود که متنی آکنده از شبهه است، گاهی پنجاه شبهه و گاهی بیشتر. در چنین متن‌هایی که هر جمله و سطرش یک شبهه را انتقال می‌دهد، پاسخ‌گو و مُبَلِّغ با این متن چه کند؟ آیا باید به یکایک آنها پاسخ دهد؟ هر شبهه‌ای دست کم یک صفحه پاسخ نیاز دارد و پاسخ به همه شبهه‌های چنین متنی نیاز به یک کتاب یا جزوه درخور دارد. پاسخ‌گو چگونه می‌تواند چنین پاسخی تنظیم کند؟ بر فرض تنظیم چنین پاسخ‌نامه‌ای، مطالعه آن در فضای مجازی از حوصله خواننده بیرون است و بر فرض که خوانندگان اشتیاق به چنین پاسخی از خود نشان دهند، در پیام‌رسان‌ها مجال چنین پاسخ‌هایی نیست. در چنین شرایطی به جای پاسخ به همه متن مورد نظر، باید خواننده را از اهداف شبهه‌کننده آگاه کرد و نیز بیان نمود که اگر شبهه‌کننده قصد رسیدن به واقعیت را داشت، این شبهه‌ها را تک‌تک طرح می‌کرد، نه اینکه برای مثال در یک متن، پنجاه شبهه را طرح کند. پس از تبیین این موضوع، به یکی از شبهه‌ها پاسخ جامع و متقن داده می‌شود و در نهایت اشاره شود بقیه شبهه‌های این متن نیز از این سنخ است.

۲. قداست‌شکنی

این شیوه ناجوانمردانه‌ترین نوع شبهه‌سازی است. شبهه‌کننده در این شیوه ابتداً به دنبال پاسخ نیست، بلکه در پی حرمت‌شکنی و قداست‌زدایی است. بر فرض هم اگر کسی پاسخ‌گویی کند، شبهه‌کننده به نیمی از اهداف خود رسیده است؛ در این‌گونه شبهه‌ها به جزئیات ریز برخی شخصیت‌ها پرداخته می‌شود که عادی‌سازی برخی امور بیان‌نشده را به دنبال دارد؛ برای مثال ریزش در جزئیات شیوه شهادت شهدای کربلا و ایجاد تردید در آن، اثرات ویران‌کننده بر ذهن خواننده می‌گذارد که از آن به بعد هنگام شنیدن همان روضه، به جای رقت قلب، ذهنش به دنبال یافتن پاسخی برای رفع تردیدی است که ذهن او را مشغول کرده است. از کهن‌ترین روزگاران

رسم بود روضه مکشوفه مگر در شرایط خاص خوانده نمی‌شد؛ چراکه می‌گفتند سبب ایجاد قساوت قلب می‌شود. حال بیفزایید بر تأثیر مکشوف شیوه شهادت امام و اصحاب، توهین‌ها، تمسخرها و ایجاد تردیدهای شبهه‌کننده‌ای که درصدد قداست‌زدایی است.

این‌گونه شبهه‌ها معمولاً روضه‌های سوزناک آن هم قسمتی که بیش از همه سبب جاری شدن اشک می‌شود را هدف قرار می‌دهد و اگر گفته شود حساس‌ترین جای عزاداری را بمباران می‌کند، سخن‌گرافی نیست. حجاب‌آسرا، تیرخوردن حضرت علی اصغر علیه السلام با جزئیات و تردید در آن، شیوه شهادت حضرت عباس علیه السلام و مشک‌به‌دندان‌گرفتن از نمونه این‌گونه شبهه‌هاست که این سال‌ها در فضای مجازی بازنشر شده است.

۳. دروغ‌پراکنی و عوام‌فریبی

گاهی شبهه‌کنندگان از آگاهی‌نداشتن عموم مردم از تاریخ سوءاستفاده می‌کنند؛ برای مثال موقعیت جغرافیایی کوفه که بین مکه و کربلاست را نشان می‌دادند و چنین وانمود می‌کردند که اگر امام قصد سفر به کوفه را داشت، چرا از آن گذشت و به کربلا رفت؟

شبهه‌کنندگان به‌خوبی می‌دانند حُرّ اجازه ورود امام به کوفه و بازگشت به مدینه را نداد و درنهایت کار به کربلا ختم شد؛ از این‌رو با این دروغ قصد دارد کل حادثه کربلا را قصه‌ای دروغین بنامد. گاهی نیز اسنادی به دروغ، ذیل شبهه خود درج می‌کنند؛ چراکه عموماً مردم به سراغ راستی‌آزمایی برنمی‌آیند.

این روش شیطنت‌آمیز هر از گاهی در فضای مجازی دیده می‌شود و صدر و ذیلش آکنده از دروغ است.

۴. برخورد غیرعلمی با گزارش‌های متناقض

یکی از شیوه‌های علمی در انتخاب گزارش صحیح از بین گزارش‌های متعارض، ترجیح‌خبر متواتر یا خبری است که ناقل بیشتری دارد، مگر اینکه مؤیدی بر اثبات خبری داشته باشیم که افراد کمتری آن را نقل کرده‌اند؛ برای مثال بحث عطش در حادثه کربلا از جمله اخباری است که طرفین قضیه به‌طور گسترده نقل کرده‌اند. در واقع این مسئله را نه تنها اصحاب امام حسین علیه السلام بارها با شیوه‌های مختلف بیان کرده‌اند، بلکه در نامه‌های ردوبدل‌شده بین ابن‌زیاد با عمر بن سعد و حر نیز به‌خوبی نمایان است. شبهه‌کنندگان با نادیده‌گرفتن همه این گزارش‌ها، به جریان

خبر غسل شب عاشورا که تنها چند نفر گزارش کرده‌اند، استناد می‌کنند و تشنگی را زیر سؤال می‌برند؛ درحالی‌که اگر این دو سنخ از گزارش جمع‌شدنی نیست، باید با تشنگی، غسل را زیر سؤال برد، نه اینکه با غسل، تشنگی را دروغ پنداشت. معاندان از این روش به طور گسترده در شبهه‌سازی استفاده می‌کنند؛ چراکه تشخیص این دو سنخ از گزارش‌ها برای عموم مردم مشکل است.

۵. حاشیه‌سازی یک ماجرای تاریخی

گاهی با مطالب حاشیه‌ای قصد تضعیف کل ماجرا را دارند. بیان شد برخی هوای روز عاشورا را بسیار گرم‌تر از آنچه بود به تصویر می‌کشند. این مسئله مورد سوءاستفاده شبهه‌کنندگان قرار می‌گیرد و گاهی می‌گویند «دهم محرم سال ۶۱ هجری مصادف با حدود بیستم مهر است که در این تاریخ هوا گرم نیست؛ پس چرا گفته می‌شود در هوای گرم عاشورا جنگیدند و تشنه شدند». شبهه‌کننده ضمن گرفتن چند تأیید از مخاطب، او را با خود همراه و القا می‌کند که پس همه ماجرای عاشورا، دروغی بیش نیست؛ درحالی‌که چیزی را رد می‌کند که شیعه ادعا نکرده است؛ در واقع روایت از گرمای سوزان عاشورا صحبت کرده است؟ بله، گفته‌اند هوا گرم بود، اما از گرمای سوزان سخنی به میان نیامده است. افزون بر اینکه باید شرایط اقلیمی عراق در نظر گرفته شود و نیز فعالیت‌های سفر و جست‌وخیزهای جنگ نیز بر گرما می‌افزاید.

اما بر فرض که هوا گرم نبود، آیا اصل شهادت امام حسین علیه السلام زیر سؤال می‌رود؟

روش پاسخ‌گویی

یک: خاستگاه‌شناسی شبهه‌سازان: مبلِّغ قبل از پاسخ به شبهه باید خاستگاه آن را بشناسد. با آشنایی با گروه‌های شبهه‌ساز می‌تواند در برابر فضای فکری وی پاسخ تهیه کند؛ چراکه شناختن هدف القاکننده شبهه در نوع ورود و خروج به پاسخ سهم بسزایی دارد؛ برای مثال آشنایی با وهابیت و باستان‌گرایان افراطی که بیشترین سهم را در شبهه‌سازی امروزی دارند و نیز شناسایی نوع شبهه‌های آنها، پاسخ‌گو را در تنظیم و تدوین پاسخ کمک می‌کند؛ زیرا هدف گروه‌ها و فضای حاکم بر فکر آنها متفاوت است و هر کدام پاسخ متناسب با خود را می‌طلبند.

دو: ترفندشناسی شبهه‌سازان: مبلِّغ باید با ترفندهای معاندان آشنایی داشته باشد و بتواند از متن شبهه این ترفندها را استخراج کند که برخی از آنها در مطالب گذشته قید شد؛ ترفندهایی که

همه بر اساس فریب و نیرنگ است. آشنایی با این ترندها سبب می‌شود تا ضمن پاسخ‌گویی منطقی و مستدل، از افتادن در دامی که شبهه‌کننده پهن کرده است، برحذر باشیم و خود بخشی از پیاده‌نظام دشمن در تکثیر شبهه نشویم. برخی از ترندها می‌تواند بخشی از شبهه‌ها را پاسخ دهد. پاسخ‌گویی که با ترندها مواجه باشد، دیگر نمی‌تواند کلیشه‌ای پاسخ دهد؛ چراکه گاهی یک شبهه، یک‌بار با یک ترند و بار دیگر با ترند دیگری بیان می‌شود و باید هر مرتبه متناسب با ترند دیگری که به استخدام شبهه‌ساز درآمده است، پاسخ داده شود.

سه: ارجاع پاسخ‌گویان به مراکز پاسخ‌گویی: از آنجاکه برخی شبهه‌ها - در حوزه تاریخ یا در حوزه‌های دیگر - تخصصی هستند و کارشناس متبحر خود را می‌طلبند، بهتر است مبلغان گرامی ضمن بیان پاسخ‌های خود، پرسش‌گران را برای دریافت پاسخ‌های مفصل و جامع‌تر به مراکز پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهه‌های یا پایگاه‌های مجازی معتبر یا کارشناسان و متخصصان ارجاع دهند که می‌شناسند تا پرسش‌گران با مراکز علمی پاسخ‌گویی و متخصصان آشنایی یابند؛ چراکه شاید خودشان بخواهند در جمع حقیقی یا گروهی مجازی به معاندان یا فریب‌خوردگان پاسخ دهند.

جمع‌بندی

با توجه به مطالبی که بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که مُبلِّغ دینی افزون بر تعلیم آموزه‌های شریعت به مخاطبان، باید پاسخ‌گوی طوفان شدید شبهه‌هایی باشد که از سوی گروه‌های مختلف معاند اسلام و شیعه، جامعه شیعی را درنور دیده است؛ نیز بیان شد امروزه بسیاری از شبهه‌ها در حوزه تاریخ طرح می‌شود.

برای پاسخ‌گویی به شبهه‌ها، ضمن آشنایی با گونه‌های متفاوت شبهه و اطلاع از خاستگاه و رستگاه آنها، باید حواسمان باشد که خودمان بخشی از نشر شبهه قرار نگیریم و این مسئله حاصل نمی‌شود مگر اینکه ترند شبهه را استخراج کنیم. شناختن ترندها ما را در نوع پاسخ‌گویی کمک می‌کند.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌فندق بیهقی، علی بن زید، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، تحقیق: مهدی رجائی، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی، ۱۳۸۵ ش.

۲. سبحانی، جعفر، آیین وهابیت، چ دهم، قم: مشعر، ۱۳۸۸ ش.
۳. سیدرضی، نهج البلاغة (للصبي صالح)، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، محقق: محمدباقر خراسان، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۵. طبری، عمادالدین حسن بن علی، کامل بهائی، تهران: مرتضوی، ۱۳۸۳ ش.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، چ دوم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ ش.
۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، چ چهارم، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری، چ چهارم، تهران: الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۹. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، چ ۱۹، تهران: صدرا، ۱۳۷۱ ش.